



بررسی آیات ظاهر در نفی عصمت ابراهیم(علیه السلام) 1

دریافت های عقلی و نظرات تفسیری مفسران در خصوص عصمت حضرت ابراهیم (علیه السلام)، به طور قطعی حکم می کنند که ظاهر آیات مراد و منظور خداوند نبوده و آنها را باید به گونه ای تأویل کرده که با دلایل عقلی مطابقت داشته باشد.

دریافت های عقلی و نظرات تفسیری مفسران در خصوص عصمت حضرت ابراهیم (علیه السلام)، به طور قطعی حکم می کنند که ظاهر آیات مراد و منظور خداوند نبوده و آنها را باید به گونه ای تأویل کرده که با دلایل عقلی مطابقت داشته باشد.

بخش اول

چکیده

ظاهر برخی از آیاتی که در باره انبیا نازل شده است با عصمت آنان منافات دارد. برخی با استناد به ظواهر آیاتی که دارای عناوینی مانند: غفران و مغفرت الهی، ذنب، توبه، عفو و ... هستند، شبهاتی را درباره حضرت ابراهیم(علیه السلام) مطرح نموده اند؛ مانند: شبهه مشرک بودن پدر حضرت ابراهیم و طلب استغفار حضرت برای وی، شبهه دروغ گفتن حضرت، شبهه آرزوی آمرزش از گناهان توسط حضرت، شبهه شک داشتن نسبت به زنده شدن مردگان و شبهه شرک ورزیدن حضرت ابراهیم(علیه السلام). در این مقاله ضمن بیان این آیات و ذکر شبهات مطرح شده در باره حضرت ابراهیم(علیه السلام)، با استفاده از دیدگاه مفسران قرآن این شبهات بررسی و پاسخ داده می شود.

طرح مسئله

عصمت و مصونیت از خطا و لغزش، به عنوان یکی از شرایط نبوت، از جمله مسائل کلامی است که از دیرباز نزد متکلمان مسلمان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

دوایت رونالدسن درباره تاریخچه عصمت بر این باور است که با پیشرفت و تحول علم کلام، شیعیان اولین کسانی بودند که به بیان مسئله عصمت پرداختند و ائمه خود را متصف به عصمت نمودند. وی آغاز این تفکر را از زمان امام صادق(علیه السلام) می داند؛ درحالی که پرداختن به این مسئله از سوی اهل سنت را تا قبل از قرن سوم هجری رد می نماید. وی بر این باور است که کتاب الکافی که به بیان موضوع عصمت پرداخته در این راستا تصنیف شده است. (م. رونالدسن، 1410: 328)

آیت الله سبحانی معتقد است که این تحلیل از طرف مستشرقین صحیح نمی باشد و آن را اوهامی می داند که مخالفان مطرح نموده اند. ایشان منشأ ظهور و طرح مسئله عصمت را قرآن کریم می داند. به عنوان مثال فرشتگانی که موکلین دوزخ هستند، به این وصف متصف شده اند. (تحریم / 6) بنابراین با تأسی از قرآن کریم، بدون در نظر گرفتن هر آن کس که بدان وصف متصف می شود؛ عصمت نزد متکلمین، گسترده تر شد و درباره انبیای الهی و نیز ائمه معصومین(علیه السلام) بیان گردید. (سبحانی، 1424: 1 / 11 - 10) درباره برخی از انبیای الهی ظاهر آیات متعددی از قرآن موجب به وجود آمدن شبهه صدور گناه از آنان می باشد. ازاین رو منکران عصمت انبیا با استناد به ظاهر این آیات، عصمت ایشان را انکار نموده اند. چنان که منکران عصمت حضرت ابراهیم(علیه السلام) با استناد به آیاتی از قرآن کریم، پیرامون محورهای نظیر: عقاید، احکام، افعال و سیره ایشان، به بحث پرداخته اند و از این آیات به عنوان دستاویزی برای اثبات رأی خویش بهره جسته و ایجاد شبهه نموده اند. آیا به راستی پدر ابراهیم(علیه السلام) که از پیامبران اولوالعزم است از مشرکین بوده است؟ چرا حضرت ابراهیم(علیه السلام) برای آزر که از مشرکان بوده است طلب استغفار نمود؟

در این مقاله تلاش شده تا ضمن بیان شبهات مطرح شده درباره حضرت ابراهیم(علیه السلام) نظیر: مشرک بودن پدر و طلب استغفار برای ایشان، دروغ گویی، آرزوی آمرزش گناهان، شک نسبت به زنده شدن مردگان و شرک حضرت ابراهیم(علیه السلام)، با توجه به دیدگاه های مفسران شیعه و اهل سنت پاسخ داده شود.

مفهوم شناسی عصمت

الف) از نظر لغوی

خلیل بن احمد فراهیدی «العصم» را به معنای «العصمة»؛ یعنی دفع نمودن شر دانسته است. «أَنْ يَعصِمَكَ اللَّهُ مِنَ الشَّرِّ، أَيْ: يَدْفَعُ عَنكَ.» (فراهیدی، 1383: 1 / 313) همچنین «العصم»، به معنای امساک یا نگه داشتن و حفظ کردن است. (ابن منظور، 1408: 12 / 403) و «عِصْمَةُ الْأَنْبِيَاءِ»، به معنای حفظ کردن انبیا توسط خداوند است که به طرق زیر انجام می پذیرد:

اول: عصمت انبیا به آنچه که از جهت صفا و پاکی گوهر مخصوصشان گردانیده؛ دوم: به آراستگی به فضائل جسمی و نفسانی؛ سوم: به نصرت و پیروزی و ثبات قدم؛ چهارم: به وارد کردن آرامش بر آنها و حفظ دل هایشان از دغدغه و عدم سکینه؛ پنجم: به توفیقی که تأییدشان نموده و شایسته شان داشته، خدای تعالی گوید: «وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»؛ (مائده / 67) خدای تو را از گزند مردم حفظ می کند و در امان می دارد. (راغب اصفهانی، 1362: 570 - 569)

ب) از نظر اصطلاحی

علامه حلی در تعریف عصمت چنین می نویسد: عصمت لطف الهی بر مکلف است به گونه ای که مکلف با وجود توانی در انجام واجب و ترک حرام، هیچ گونه انگیزه ای بر ترک طاعت و انجام معصیت نخواهد داشت. (حلی، 1365: 38)

سید مرتضی عصمت را آن چیزی می داند که مکلف به واسطه آن، کار قبیح انجام نمی دهد و در انجام واجب نیز اخلاص نمی کند. (سید مرتضی، 1405: 2 / 277) وی در جای دیگر عصمت را لطف خداوند نسبت به بنده می داند که براساس آن بنده فعل قبیح انجام نمی دهد. (همان: 3 / 323)

خواجه نصیرالدین طوسی معتقد است که عصمت آن است که بنده توانایی بر انجام معصیت داشته باشد اما اراده انجام معصیت را نکند. (فضیلی، 1414: 268)

اندیشمندان اسلامی به آیاتی از قرآن کریم استناد نموده و به عصمت انبیای الهی از بدو تولد، اشاره نموده اند. (علی الصغیر، 1424: 108)

علمای اهل سنت بر عصمت انبیا در حوزه ارتکاب گناهان کبیره و صغیره ای که در آن رذیله ای وجود داشته باشد اتفاق نظر دارند، اما در صغایری که رذیله نداشته باشد، اختلاف دارند. (اندلسی، 1422: 1 / 212 - 211) و اینکه دریا پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) آمده است که: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً»؛ (کلینی، 1362: 2 / 438) رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روزی هفتاد بار به درگاه خدای عزوجل توبه می کرد؛ به جهت افزایش علم و معرفت ایشان نسبت به فرمان الهی می باشد.

طبرسی در مجمع البیان می گوید: عقیده ما بر این است که انبیا ترک واجب نمی کنند و مرتکب حرام نمی شوند؛ زیرا با عصمت آنها منافات دارد؛ اما ترک اولی؛ یعنی ترک مستحب یا فعل مکروه بر آنها رواست. از آنجا که مقام قرب ایشان در حد اعلاست، طلب مغفرت های ایشان برای این است که مبدا تنزلی از درجه و مقام شامخ خود پیدا کنند و در درجه ای نازل تر قرار گیرند که البته بر ایشان دشوار است؛ زیرا هر کس از یک درجه ای تنزل کند ولو گرفتار عذاب هم نشود، برایش سخت است. (طبرسی، 1426: 7 / 304)

بنابراین اصل عصمت، منع است (طبری، 1412: 4 / 18) و انبیا، معصوم به عصمت الهی هستند و دیگر شیطان نمی تواند در نفوس ایشان تصرفی کند. (طباطبایی، 1417: 3 / 176)

اقسام عصمت

عصمت از جمله امتیازها و ویژگی های انبیای الهی است که با توجه به دیدگاه متکلمان اسلامی، عصمت انبیا در سه حوزه مختلف قابل بررسی است:

الف) عصمت از ارتکاب گناه و مخالفت با دستورات (واجبات و محرمات) الهی

نبوت و عصمت با شرک و گناه سازگار نیست. مقام نبوت مقامی است که صاحب آن هرگز دست به سوی گناه دراز نمی کند. خدای سبحان می فرماید: انبیا گرچه اهل کفر نیستند، اما بر فرض محال، اگر شرک بورزند، همه طاعتشان باطل می شود: «وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبَطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعمَلُونَ»؛ و اگر آنها مشرک شوند، اعمال (نیکی) که انجام داده اند، نابود می گردد. (انعام / 88)

(ب) عصمت از خطا و فراموشی در دریافت و ابلاغ وحی

دومین نوع از اقسام عصمت، مصونیت پیامبر از خطا و سهو در تلقی وحی و حفظ و ابلاغ آن است که یکی از اصول مشترک بین همه انبیا می باشد. خداوند متعال می فرماید: «وَمَا كَانَ لِثِيٍّ أَنْ يَغْلَى؛ ممکن نیست هیچ پیامبری خیانت کند!» (آل عمران / 161)

شکی نیست که هدف اصلی از بعثت پیامبران، ایجاد ایمان و گرایش در مردم، آنگاه آشنا ساختن آنها با برنامه های الهی است. یکی از پایه های گرایش به پیامبران این است که فرد گرونده مطمئن باشد که آنچه پیامبران الهی می گویند، مأخوذ از خدا بوده و آنان در اخذ وحی الهی و تبلیغ آن دچار سهو و اشتباه نمی شوند و اگر امکان خطا و لغزش در این مورد به میان آید، پایه ایمان متزلزل شده و هدف از بعثت از میان می رود. (مکارم شیرازی، 1374: 2 / 99؛ سبحانی، 1360: 5 / 32؛ جوادی آملی، 1379: 3 / 240)

(ج) عصمت از خطا و فراموشی در اجرای احکام الهی و انجام امور فردی و اجتماعی

مصونیت از خطا، سهو و نسیان در انجام تکالیف دینی و تطبیق قوانین شرعی بر امور خاص و نیز مصونیت از خطا در تمام اعمال فردی و اجتماعی، یکی دیگر از اقسام عصمت پیامبران الهی به شمار می آید. متکلمان در اثبات این نوع از عصمت، اختلاف نظر دارند. درحالی که بیشتر علما و متکلمان امامیه، قائل به لزوم برخورداری پیامبران به این نوع از عصمت هستند، اما عموم متکلمان غیر امامیه و برخی از علمای امامیه (سبحانی، 1411: 3 / 204 - 203) برخورداری پیامبران از این نوع عصمت را لازم نمی دانند. (سعیدی مهر، 1390: 2 / 81 - 80)

امیرمؤمنان حضرت علی(علیه السلام) در مورد چرایی اطاعت از رسول و اولوالامر می فرماید:

إِذَا مَا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِطَاعَةِ الرَّسُولِ - لِأَنَّهُ مَعْصُومٌ مُطَهَّرٌ لَا يَأْ مُرٌ بِمَعْصِيَةٍ - وَ إِذَا مَا أَمَرَ بِطَاعَةِ أُولَى الْأَمْرِ - لِأَنَّهُمْ مَعْصُومُونَ مُطَهَّرُونَ لَا يَأْ مُرُونَ بِمَعْصِيَةٍ. (صدوق، 1362: 1 / 139؛ مجلسی، 1403: 72 / 338)

همانا خداوند عزوجل فرمان داده به اطاعت از رسول، برای آنکه پیامبر(صلی الله علیه و آله) معصوم است و پاک و به معصیت و گناه فرمان نمی دهد. و نیز خداوند فرمان داده به اطاعت اولوالامر برای آنکه آنان معصوم و پاک اند و فرمان به گناه نمی دهند.

دلایل قرآنی عصمت انبیا(علیه السلام)

با مطالعه و بررسی های به عمل آمده در آیات قرآن کریم می توان دلالت های بسیار این کتاب آسمانی را بر عصمت انبیای الهی دریافت که در اینجا به دو نمونه از دلایل قرآنی عصمت انبیا(علیه السلام) اشاره می گردد:

الف) آیه 124 سوره بقره

وَ إِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِيَّايَ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ.

(به خاطر آورید) هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود و او به خوبی از عهده این آزمایش ها برآمد، خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!» ابراهیم عرض کرد: «از دودمان من (نیز امامانی قرار بده!)» خداوند فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی رسد! (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقام اند)».

در روح البیان آمده است که این آیه دلالت بر عصمت انبیا از کبائر دارد؛ خواه بعد از بعثت باشد یا قبل از آن. (حقی بروسوی، بی تا: 1 / 338)

ب) آیه 80 سوره نساء

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا.

کسی که از پیامبر اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده؛ و کسی که سر باز زند، تو را نگهبان (و مراقب) او نفرستادیم (و در برابر او، مسئول نیستی).

از دیدگاه فخر رازی این آیه از قوی ترین دلایل عصمت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در جمیع اوامر و نواهی، و در جمیع ابلاغ های او از سوی خداست؛ زیرا اگر او در چیزی خطا کند اطاعت او اطاعت از خدا نخواهد بود، و واجب است در افعالش نیز معصوم باشد؛ چراکه خداوند امر به متابعت او (به طور مطلق) کرده است. (رازی، 1420: 10 / 149)

بررسی آیات ظاهر در نفی عصمت حضرت ابراهیم (علیه السلام)

حضرت ابراهیم (علیه السلام)، دومین پیامبر اولوالعزم و دارای آئین و شریعت و از نسل حضرت نوح (علیه السلام) می باشد و براساس آیه 125 سوره نساء به خلیل الله ملقب گشت. «وَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا؛ و خدا ابراهیم را به دوستی خود، انتخاب کرد.» خداوند متعال 10 صحیفه بر حضرت ابراهیم (علیه السلام) نازل فرمود که به آن صحف ابراهیم می گویند. (طبرسی، 1426: 10 / 476)

با توجه به آیات قرآن کریم، حضرت ابراهیم (علیه السلام) به اوصافی چون اوّاه (توبه / 114؛ هود / 75)، بصیر (ص / 45)، حلیم (توبه / 114؛ هود / 75)، شاکر (ابراهیم / 39؛ نحل / 121 - 120)، صدیق (مریم / 41)، صالح (بقره / 130؛ انعام / 85 - 83؛ انبیاء / 72؛ عنکبوت / 27)، قانت (نحل / 120)، قوی (ص / 45)، مؤمن (صافات / 111)، محسن (انعام / 84 - 83؛ صافات / 104 - 103 و 110 - 109)، مخلص (صافات / 84 - 83؛ ص / 46)، وفی (نجم / 37) و منیب (هود / 75) متصف است. (هاشمی، 1419: 3 - 1)

نبوت، اولوالعزم، حنیف بودن، تسلیم خدا بودن، خلّت، تحیة من الله، اسوه، دیدن زنده شدن مردگان و تفضیل بر عالمیان و امامت - که به دنبال موفقیت در آزمون های دشوار نصیب وی شد - از مقامات حضرت ابراهیم (علیه السلام) می باشد. (بقره / 124)

ایشان در مسیر دعوت به سوی توحید با خانواده، قومش و نیز نمرود، پادشاه زمانش، مناظراتی داشته است. داستان زندگی و دعوت وی در بیش از 180 آیه قرآن آمده و نامش 69 بار در ضمن آیات قرآن کریم ذکر شده است. داستان دعوت وی در سوره های بقره، انعام، شعراء، صافات، انبیاء و مریم مذکور است.

در اینجا آیات ظاهر در نفی عصمت حضرت ابراهیم (علیه السلام) مطرح و با استناد به دیدگاه مفسران، به شبهات مطرح شده پاسخ داده می شود.

الف) شبهه مشرک بودن پدر حضرت ابراهیم (علیه السلام) و طلب استغفار برای ایشان

شیعه بر این باور است که هیچ یک از پدران و اجداد انبیای الهی کافر و مشرک نمی باشند و دراین باره به آیاتی از قرآن کریم نیز استناد نموده اند. (شعراء / 219 - 218) حال در بررسی آیات قرآن کریم با آیاتی مواجه می شویم که حضرت ابراهیم (علیه السلام) برای پدرش از خداوند متعال طلب استغفار نموده است: «وَ اعْفِرْ لِيْ بِیْ اِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّیْنَ؛ و پدرم را ببامرز، که او از گمراهان بود!» (شعراء / 86)

نقد و بررسی

قبل از اینکه به شبهات و سؤالات مطرح شده درباره حضرت ابراهیم (علیه السلام) پاسخ داده شود، لازم است در اینجا «آزر» که در آیه 74 سوره انعام به عنوان پدر ابراهیم از آن نام برده شده است (وَ اِذْ قَالَ اِبْرَاهِيْمُ لِيْ بِیْهِ اَزْرَ ...) و مصادیق آن مورد بررسی قرار گیرد. مفسران درباره کلمه «آزر» اختلاف نظر دارند. منشأ اختلاف در نام پدر حضرت ابراهیم (علیه السلام)، اختلاف روایاتی است که دراین باره وارد شده است. (کلینی، 1362: 8 / 367؛ مجلسی، 1403: 72 / 390) برخی بر این باورند که اسم پدر ابراهیم «تارح» یا «تارخ» بوده، و اتفاقاً تورات هم این نام را تأیید می کند. (سفر پیدایش: 12 / 27 - 26)

فخر رازی در مفاتیح الغیب در این مورد سه وجه را آورده است:

1. اسم پدر حضرت ابراهیم (علیه السلام)، آزر است و اگر نام تارح را نیز برای ایشان بپذیریم، نام اصلی او آزر و تارح لقب وی

2. این احتمال نیز وجود دارد که آزر نام بتی باشد که پدر ابراهیم آن را می پرستیده است.

3. تارح نام پدر حضرت ابراهیم و آزر نام عمویش باشد و به عمو هم «أب» اطلاق می گردد؛ چنان که خداوند متعال از فرزندان حضرت یعقوب (علیه السلام) حکایت می کند که ایشان گفتند: «قَالُوا تَعْبُدُ إلهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إلهًا وَاحِدًا وَتَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (بقره / 133) و روشن است که حضرت اسماعیل (علیه السلام) عموی حضرت یعقوب می باشد و در این آیه نام پدر بر وی اطلاق گردیده است. (رازی، 1420: 13 / 32 - 29)

با بررسی هایی که در دیدگاه های مفسرین شده است پاسخ به این شبهه بدین شرح است:

1. طلب استغفار مشروط به اسلام آوردن پدر

استغفار حضرت ابراهیم (علیه السلام) برای پدرش مشروط به اسلام آوردن اوست و پدرش به وی وعده اسلام را داده بود؛ چراکه در آیه 114 سوره توبه می فرماید: «وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنْ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ». (همان: 16 / 159)

2. دعا بعد از مرگ پدر و یا پس از جدایی از او

از عبارت «إِنَّ تَهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ» استفاده می شود که حضرت ابراهیم (علیه السلام) این دعا را بعد از مرگ پدر و یا پس از جدایی از او کرده است، چنان که تعبیر به لفظ «کان» دلالت بر این مطلب می کند. و نیز از ذیل کلامش استفاده می شود که دعای مزبور جدی نبوده بلکه صورت دعایی داشته است، که می خواسته به وسیله آن به عهده ای که با او کرده بود، وفا کرده باشد؛ زیرا از یک طرف می گوید: پروردگارا این گمراه را بیامرز؛ و از طرفی دیگر می گوید: روز قیامت روزی است که مال و فرزندان به کار نمی آید و تنها در آن روز قلب سلیم نتیجه می بخشد. (طباطبایی، 1417: 7 / 165 - 155)

3. طلب مغفرت برای نزدیکان

بر این اساس مقصود از آیه «وَاعْفُ رُ لَأَبِي إِنْ تَهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ»؛ آن است که حضرت ابراهیم (علیه السلام) بعد از فراغت از درخواست طلب دنیا و آخرت برای خود، برای نزدیک ترین فرد به خود که پدرش است، از خداوند درخواست بخشش و مغفرت کرده است. (رازی، 1420: 24 / 516)

4. مشخص نبودن حوزه عقیدتی پدر

ابن عطیه اندلسی از قاضی ابومحمد نقل می کند که استغفار حضرت ابراهیم (علیه السلام) برای پدرش قبل از مشخص شدن کفر وی در هنگام مرگ بوده است. (اندلسی، 1422: 4 / 235)

بررسی های به عمل آمده براساس آیه 41 سوره ابراهیم که خداوند متعال می فرماید: «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ»؛ نشان می دهد که دعای ابراهیم (علیه السلام) برای پدر و مادرش در اواخر عمر، دلالت بر این دارد که «آزر» پدر حضرت ابراهیم (علیه السلام) نبوده است. (طوسی، بی تا: 6 / 302؛ طبرسی، 1426: 6 / 491) و این دلیلی است بر آن که پدر و مادر حضرت ابراهیم (علیه السلام) مؤمن بوده اند؛ زیرا شایسته نیست حضرت ابراهیم (علیه السلام) برای کافرانی که بر کفر اصرار دارند، طلب بخشش و مغفرت الهی نماید. (رازی، 1408: 11 / 290)

منابع و مآخذ

قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

آلوسی، سید محمود، 1415 ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه.

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، 1419 ق، تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)، عربستان، مکتبه نزار مصطفی الباز، چ سوم.

ابن عاشور، محمد بن طاهر، 1984م، التحریر و التنویر، تونس، الدار التونسیة للنشر.

ابن عجبیه، احمد بن محمد، بی تا، البحر المذید فی تفسیر القرآن المجید، تحقیق احمد عبدالله قرشی رسلان، قاهره، انتشارات

حسن عباس زکی.

ابن منظور، محمد بن مكرم، 1408 ق، لسان العرب، تعليق و تهيه فهارس على شيرى، بيروت، دار الإحياء التراث العربى.

امين اصفهاني، سيده نصرت، 1361، مخزن العرفان در تفسير قرآن، تهران، انتشارات نهضت زنان مسلمان.

اندلسى، ابن عطيه عبدالحق بن غالب، 1422 ق، المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز، تحقيق عبدالسلام عبدالشافى محمد، بيروت، دار الكتب العلميه.

بغوى، حسين بن مسعود، 1420 ق، معالم التنزيل فى تفسير القرآن، تحقيق عبدالرزاق المهدي، بيروت، دار احياء التراث العربى.

ترجمه تفسيري كتاب مقدس (شامل عهد عتيق و عهد جديد)، بى جا.

ثعلبى نيشابورى، ابو اسحاق احمد بن ابراهيم، 1422 ق، الكشف و البيان عن تفسير القرآن، بيروت، دار إحياء التراث العربى.

جوادى آملی، عبدالله، 1379، تفسیرى موضوعی قرآن کریم، قم، اسراء.

حر عاملی، محمد بن حسن، 1409 ق، تفصيل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، آل البيت.

حقى بروسوى، اسماعيل، بى تا، تفسير روح البيان، بيروت، دار الفكر.

حلى، حسن بن يوسف، 1365، الباب الحادى عشر، تهران، دانشگاه تهران.

حميدى، محمد بن فتوح، 1423 ق، الجمع بين الصحيحين البخارى و المسلم، تحقيق على حسين البواب، بيروت، دار النشر، چ دوم.

رازى، ابوالفتوح حسين بن على، 1408 ق، روض الجنان و روح الجنان فى تفسير القرآن، تحقيق محمدجعفر ياحقى و محمدمهدي ناصح، مشهد، بنياد پژوهش های اسلامى آستان قدس رضوى.

رازى، فخرالدين محمد بن عمر، 1420 ق، مفاتيح الغيب، بيروت، دار احياء التراث العربى، چ سوم.

راغب اصفهاني، حسين بن محمد، 1362، المفردات فى غريب الفاظ القرآن الكريم، كتابفروشى مرتضوى، چ دوم.

زحيلي، وهبة بن مصطفى، 1418 ق، التفسير المنير فى العقيدة و الشريعة و المنهج، بيروت، دار الفكر المعاصر، الطبعة الثانية.

زمخشري، محمود، 1407 ق، الكشف عن حقائق غوامض التنزيل، بيروت، دار الكتاب العربى، چ سوم.

سبحانى، جعفر، 1360، منشور جاويد قرآن، كتابخانه عمومى امام اميرالمؤمنين(عليه السلام).

_____، 1411 ق، الاهيات على هدى الكتاب و السنة و العقل، قم، المركز العلمى لدراسات الاسلامى.

_____، 1424 ق، عصمة الأنبياء فى القرآن الكريم، قم، مؤسسة الامام الصادق(عليه السلام).

سبزواري نجفى، محمد بن حبيب الله، 1419 ق، ارشاد الازهان الى تفسير القرآن، بيروت، دار التعارف للمطبوعات.

سعيدى مهر، محمد، 1390، آموزش كلام اسلامى، (راهنماشناسى و معادشناسى)، قم، كتاب طه، چ نهم.

سمرقندى، نصر بن محمد بن احمد، بى تا، تفسير السمرقندى (بحر العلوم)، تحقيق محمود مطرحى، بيروت، دار الفكر.

سيد قطب، 1400 ق، فى ظلال القرآن، قاهرة، دار الشروق، الطبعة التاسعة.

سيد مرتضى، ابوالقاسم على بن الحسين، 1409 ق، تنزيه الانبياء، الطبعة الثانية.

_____، 1405 ق، رسائل المرتضى، قم، دار الكريم.

صدوق، محمد بن على بن حسين بن بابويه قمى، 1362، الخصال، قم، جامعه مدرسين.

_____، 1398 ق، التوحيد، قم، جامعه مدرسين.

طباطبايى، سيد محمدحسين، 1417 ق، الميزان فى تفسير القرآن، قم، جامعه مدرسين، چ پنجم.

طبرسى، احمد بن على، 1403 ق، الإحتجاج على أهل اللجاج، مشهد، انتشارات مرتضى.

طبرسى، فضل بن حسن، 1377، تفسير جوامع الجامع، تهران و قم، دانشگاه تهران و مركز مديريت حوزه علميه قم.

_____، 1426 ق، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تهران، اسوه.

طبرى، ابوجعفر محمد بن جرير، 1412 ق، جامع البيان فى تفسير القرآن، بيروت، دار المعرفة.

طوسى، محمد بن حسن، بى تا، التبيان فى تفسير القرآن، با مقدمه شيخ آقابزرگ تهرانى و تحقيق احمد قصير عاملی، بيروت، دار احياء التراث العربى.

طيب، سيد عبدالحسين، 1378، اطيب البيان فى تفسير القرآن، تهران، انتشارات اسلام، چ دوم.

عروسی حویزی، عبد على بن جمعه، 1415 ق، تفسير نور الثقلين، تحقيق سيد هاشم رسولى محلاتى، قم، اسماعيليان، چ چهارم.

على الصغير، جلال الدين، 1424 ق، عصمة المعصوم(عليه السلام) وفق المعطيات القرآنية، بغداد، بى جا.

فراهيدى، خلى بن احمد، 1383، العين، تحقيق مهدى المخرموى، ابراهيم السامرائى، تصحيح اسعد الطب، قم، اسوه.

فضيلى، عبدالهادى، 1414 ق، خلاصة علم الكلام، قم، دار الكتاب الاسلامى.

فيض كاشانى، ملا محسن، 1415 ق، تفسير الصافى، تهران، صدر، چ دوم.

قرشى، سيد على اكبر، 1377، تفسير احسن الحديث، تهران، بنياد بعثت، چ سوم.

كلينى رازى، محمد بن يعقوب، 1362، الكافى، تهران، اسلاميه، چ دوم.

گنابادى، سلطان محمد، 1408 ق، تفسير بيان السعادة فى مقامات العبادة، بيروت، مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، الطبعة الثانية.

م. رونالدسن، دوايت، 1410 ق، عقيدة الشيعة، بيروت، بى جا.

مجلسى، محمدباقر، 1403 ق، بحار الانوار لدرر الاخبار الائمة الاطهار(عليه السلام)، بيروت، دار الاحياء التراث العربى، الطبعة

الثانية.

مدرسی، سید محمدتقی، 1419ق، من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسین(علیه السلام).
مصطفوی، حسن، 1416 ق، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
مغنیه، محمدجواد، 1424 ق، تفسیر الکاشف، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، 1368، پیام قرآن، قم، نسل جوان و مدرسه الامام امیرالمؤمنین(علیه السلام).
_____، 1374، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
نووی جاوی، محمد بن عمر، 1417 ق، مراجع لبید لکشف معنی القرآن المجید، تحقیق محمدا مین الصناوی، بیروت، دار الکتب العلمیة.
هاشمی، آصف و سلیمان موسوی، 1419 ق، الکشاف اللموضوعی للقرآن الکریم، تهران، دار القرآن الکریم.
معصومه السادات حسینی میرصفی: مربی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق.

سیده فاطمه حسینی میرصفی: استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری.

فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری 12